

بازتاب اظهارات مولودی

داشتن یا نداشتن وزیر زن؛ مسئله این است



در کابینه بعدی رابرتی کردیم، نظر رئیس جمهور هم ان شاء الله برای حضور زنان در کابینه مثبت است. در ارتباط با سقف و کف سهمیه حضور زنان صحبت نمی‌کنیم. پیشنهادهایی داریم و آن را تکمیل کردیم و هر روز هم به گزینه‌ها و پیشنهادها می‌رسیم و آن را اعلام می‌کنیم. البته کسی که به عنوان وزیر و عضو کابینه است، باید حداقل شاخصه‌هایی را داشته باشد. «معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور با ابراز امیدواری از امکان حضور زنان در دولت بعدی به عنوان وزیر گفت: «تابوی وزیر زن قبلاً شکسته شده است و نباید فکر کنیم اتفاق بزرگی می‌افتد، چون قبلاً این اتفاق افتاده است.» اکنون این سخنان مولودی بازتاب‌هایی را در شبکه‌های اجتماعی داشته است. یکی از کاربران در این باره نوشته است: «اگر وزیر زن در کابینه روحانی نباشد، مسئولیتش با شخص او خواهد بود.»

آفتاب‌یزد - گروه‌شبهه: حضور زنان در مناصب دولتی یکی از مطالبات مهم این قشر از جامعه است که در گذشته نادیده انگاشته می‌شدند و کمتر شاهد حضور آنان در این عرصه بودیم، اما با روی کار آمدن دولت یازدهم می‌توان گفت تاحدودی این مسئله بهبود یافته و زنان را در سمت‌هایی چون فرماندار و شهردار و حتی در سطوح بالای مدیریتی مثل ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست، معاونت امور زنان و خانواده و معاونت حقوقی رئیس‌جمهور می‌بینیم. اکنون که بار دیگر حسن روحانی رئیس‌جمهور منتخب مردم شده است، این سوال پیش می‌آید که آیا زنان در کابینه بعدی او به‌عنوان وزیر حضور خواهند داشت یا خیر؟ در همین راستا روز چهارشنبه گذشته شهیندخت مولودی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده گفته است: «در مورد حضور زنان در کابینه دوازدهم باید منتظر بمانیم. ببینیم نتیجه چه می‌شود. البته ما با کسانی که تصمیم‌گیر هستند در مورد حضور زنان

زنانشان پست مدیریتی بالا ندهند و تا ابد هم بگویند زنان با تجربه را از کجا بیآوریم؟ تجربه با تجربه کاری ایجاد می‌شود.» دیگری نوشت: «تا بحث انتخاب وزیر از بین زنان یا اقلیت همیشه همه می‌گویند باید فارغ از این چیزها و بر اساس شایستگی باشه. انگار گفته شده بروید بی‌سوادترین‌شون رو پیدا کنید.» شخصی نیز عنوان داشته است: «با آدم شایسته‌ای بین این‌ها هست یا نیست. اگه باز معتقدی نیست باید ببینی چی باعث شده در این ۳۰-۴۰ سال این آدم از بین میلیون‌ها نفر در نیومده.» کاربر دیگری گفته: «مولودی می‌گوید تابوی وزیر زن شکسته است. منتظر وزرای زن هستیم.» فردی نیز نوشته است: «اگر روحانی مصمم بایستد، همه چیز برای حضور چند وزیر زن در کابینه او مهیاست.» کاربران دیگر اینطور نوشته‌اند: «معتقدم اگر با شایستگی همه وزرای کابینه رو زنان تشکیل بدهند

وزیر زن نمی‌خواهیم؛ کابینه‌ای می‌خواهیم که به عدالت جنسیتی معتقد باشد.» فکر نکنیم اگر چند وزیر زن داشته باشیم جامعه برای زنان گلستان خواهد شد. در صورت عدم تحقق این مطالبه، از آن چماق پر سر روحانی نسازیم.» «رکورد اولین وزیر زن توسط دولت قبلی ثبت شده است.» «کی قراره بفهمیم داشتن یا نداشتن وزیر زن بهبودی در شرایط زنان ایران محسوب نمیشه فقط مسکنه.» «زنان در کار و مدیریت می‌تونن فوق‌العاده باشن، اما طرح مطالبه چند وزیر زن و تعصب روش رو خدمت به زنان نمی‌دونم.»

جای تقدیر داره، ولی اگر سهمیه‌های شد ویتترین رو قشنگ کردیم.» «وزیر زن از حداقل مطالبات این روزهای زنان ایران است.» «آقای روحانی چیزی حدود ۱۲ میلیون رای از خانمها گرفتین، پس به همین میزان باید به مطالبات زنان پاسخگو باشن از جمله حق حضور وزیر زن.» «اتفاقاً ما هم صرفاً وزیر زن نمی‌خواهیم؛ عدالت جنسیتی مهمه و همین که وزیر معتقد به این مفهوم باشه.» «ما دقیقاً دولت انتخاب کردیم که بتونیم روی او فشار بیآوریم. انتصاب وزیر زن یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های ماست.» «ما فقط

قصه مونا لیزای قرن

۵۱۴ سال از روزی که لئوناردو داوینچی «مونا لیزا» را خلق کرد، گذشته است. ۴۹۸ سال است که داوینچی مرده، اما حالا در قرن ۲۱ مونا لیزای دیگری خلق شده؛ نه به برکت قلم یک نقاش متبحر که به لطف سایه روشن‌ها یک چهره رموز خلق می‌کند؛ اینبار ترس و وحشت یک مونا لیزای واقعی خلق کرده است. می‌دانی؟ او الان باید با موهای بافته شده که با رویان‌های رنگی تزئین شده است در آغوش مادرش باشد. صدای خنده‌اش باید در گوش پدرش بیچند باید بازی کند، شاد باشد و دخترانگی کند، اما فقط خدا می‌داند که وقتی نفس زنان از دست داعشی‌ها فرار می‌کرده، چقدر ترسیده بود. سال ۱۵۰۳ داوینچی قلم به دست گرفت تا مونا لیزای رموز را خلق کند. رنگ روغن را برداشت تا روی چوب سپیدار نقش بزند. چهارسال سایه‌روشن‌زدن تا تواند آن ابهامی که باید در صورت مونا لیزا بنشانند. آخر هم اثرش را ناتمام گذاشت. حالا تو تصویری را می‌بینی که پر است از ترس، اندوه و لیخند. تو لیخند تلخی را می‌بینی که از پس یک وحشت برآمده و اندوهی را می‌بینی که وحشتی بزرگ در پشت سر داشته. مونا لیزای قرن ۲۱ آشفته است و غمگین. ترسیده است و اشک در چشمانش حلقه زده. او خیلی کوچکتر از آن است که خواهد لقب مونا لیزا را از آن خود کند، اما مگر نام دیگری هم می‌شود برای این همه حس جمع شده در یک صورت معصوم گذاشت؟ چهره مونا لیزای قرن، حالا قلب میلیون‌ها آدم را به درد آورده هر چند آنها که باید قلبشان به درد بیاید، نمی‌آید. در خانه اگر کسی است، یک حرف بس است، اما انگار در خانه‌هایشان کسی نیست که چشم‌های روشن مونا لیزا را ببیند و قلبش برای این چهره معصوم بلرزد. مونا لیزای قرن که دارد سعی می‌کند در این عکس به شما لیخند بزند، توانسته خودش را از دست داعشی‌ها نجات دهد. این عکس دقیقاً پس از فرار و نجات پیدان کردن او ثبت شده است. ایستنا



به یاد حاج احمد متوسلیان یزدی

رفته‌بودی که بیایی؛ چقدر طول کشید

آفتاب‌یزد - گروه‌شبهه: فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق بود. ۱۴ تیر سال ۶۱ به اسارت دشمن در می‌آید. وی یکی از ۴ فرد ربوده شده ایران در لبنان در همان سال است. حالا ۲۵ سال از آن روز می‌گذرد، ولی همچنان خبری از این فرمانده نیست. حاج احمد متوسلیان همان فرماندهی است که در مأموریتی راهی سوریه شد تا راه‌های مساعدت به مردم لبنان علیه حمله و اشغالگری صهیونیست‌ها را بررسی کند، ولی در آنجا ربوده و دیگر به خانه بازنگشت. اما روز چهارشنبه همزمان با بزرگداشت و پخش مستندی از این جاویدالتر از صنایع‌ساز، همچنین ساخت فیلم سینمایی «یستاده» که بر گرفته از زندگی حاج احمد متوسلیان است، نامش در یادها زنده و در شبکه‌های اجتماعی شاهد دلنوشته‌هایی برای او هستیم. یکی از کاربران با انتشار عکسی از مادر احمد متوسلیان اینطور توثیق کرده است: «آن مرد نیامده! آن مادر همچنان منتظر است.» کاربر دیگری نوشته است: «یکی سهمش از سفره انقلاب میشه ماهی ۶۰ میلیون پول یکی هم میشه ۲۵ سال اسارت، حاج احمد شرم‌ندیم.» فرد دیگری نوشت: «بودن و دیدن آرزوی ماست سر دل کاش روزی برسه که!» «یستاده» در غیاب ۲۰ روز از سال‌های اسارت و آزادیت بسازن.» شخصی نیز عنوان داشته است: «آدم‌هایی هستن که ۲۵ ساله به خاطر ما در اسارت هستن» یکی دیگر از کاربران نوشته است: «کلش می‌شد صدای پاهات پیچچه تو گوش داون.» کاربران دیگر گفته‌اند: «این همه سال اسارت و زندان... حتی فکرشم آدم رو نابود می‌کنه.» «هر هیاهوی خمپاره، ایستادی تا خورشید شهر بازگردد، آری، تو ایستادی و جهان به دل‌وریت ایستاد. تو هنوزم جوانی؛ ایستاده‌ای در غیاب...» «رفته بودی که بیایی چقدر طول کشید.» «حاج احمد مردانه ایستادی و مردانگی را آموختی. خدا به سلامت دلت ای فرمانده.»



اعتراض فضای مجازی به از رده خارج شدن نیشان آبی

با باورهای ملت بازی نکنید!

کامنت‌های جالبی از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی دیده‌ایم که در زیر بخشی از آن را می‌خوانید. یکی از کاربران در این باره نوشته است: «تو زندگی از سه چیز پترس: دل شکسته، قضاوت کردن و نیشان آبی.» کاربر دیگری اینطور گفته است: «به شماله و به نیشان، اونم آبی رنگ. چرا با باورهای ملت بازی می‌کنی؟»

شخصی نیز عنوان داشته است: «برای اولین بار بود که دیدم نیشان آبی به من عابر پیاده گفت اول شما، هی تعارف می‌کردیم، آخر سر من اول رفتم، فقط دهتم باز مونده بود!»

دیگری نوشت: «با یه نیشان آبی شوخی نکنید، چیزی واسه از دست دادن ندارن.» شخصی نیز گفته است: «شاید باور تون نشه امروز به نیشان آبی دیدم راهنما می‌زد.» کاربران دیگر نوشته‌اند: «در اداره مون همه از من می‌ترسن، من از نیشان آبی.» «یکی از بزرگ‌ترین افتخاراتم اینه سر به چه چاره‌ها با برابری آموزشگاه به یه نیشان آبی راند ندادم.» «همیشه حق با نیشان آبی است.» «از تجربیات من اینکه به نیشان هیچ شهری اعتماد نکنید! مخصوصاً رنگ آبی باشه!» «دوست داشتم به نیشان آبی بگم بیابوش نیشان قرمز، اما دیدم اصالت نیشان به آبی بودنشه.»



آفتاب‌یزد - گروه‌شبهه: ملقب به جان سخت، کننده، عجیب و مشهور به نیشان آبی هستند. همان نیشان‌های آبی که با سرعتی باورنکردنی وقتی در خیابان‌ها تردد می‌کنند وحشت را هم همراه خود می‌آورند و سایر خودروها چاره‌ای جز کتاره‌گیری ندارند تا این بزرگوار رد شود. گویی در قاموس ششان قوانین راهنمایی و رانندگی تعبیه نشده است. گاهی اوقات نیز شاهد تصاویر عجیبی از این غول آبی هستیم که تا مدت‌ها سوژه رسانه‌هاست. از بار زدن‌های عجیبی که پیش از ظرفیتش است گرفته تا ایجاد خلاقیت‌هایی که خطرناک هستند. اگر تنها یکبار پشت فرمان این خودرو نشسته و تنها کمی رانندگی کنید متوجه خواهید شد که چه کار سختی در رانندگی این خودرو هر روز و آن هم ساعت‌ها انجام می‌دهند. اما فارغ از این موضوعات از لحاظ پاربری خدمت بزرگی به کشور کرده است. حال خبر می‌رسد که این غول آبی قرار است به خاطر‌ها بییوندد، چراکه مدیرعامل شرکت خودروسازی زامیاد اعلام کرده در پایان سال ۹۷ به‌طور عملی با نیشان جونیور با سه عباتر دیگر زامیاد ۲۴ (نیشان آبی) خداحافظی می‌کنیم. با این وجود همواره درباره نیشان آبی شاهد

کامنت‌های جالبی از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی دیده‌ایم که در زیر بخشی از آن را می‌خوانید. یکی از کاربران در این باره نوشته است: «تو زندگی از سه چیز پترس: دل شکسته، قضاوت کردن و نیشان آبی.» کاربر دیگری اینطور گفته است: «به شماله و به نیشان، اونم آبی رنگ. چرا با باورهای ملت بازی می‌کنی؟»

شخصی نیز عنوان داشته است: «برای اولین بار بود که دیدم نیشان آبی به من عابر پیاده گفت اول شما، هی تعارف می‌کردیم، آخر سر من اول رفتم، فقط دهتم باز مونده بود!»

دیگری نوشت: «با یه نیشان آبی شوخی نکنید، چیزی واسه از دست دادن ندارن.» شخصی نیز گفته است: «شاید باور تون نشه امروز به نیشان آبی دیدم راهنما می‌زد.» کاربران دیگر نوشته‌اند: «در اداره مون همه از من می‌ترسن، من از نیشان آبی.» «یکی از بزرگ‌ترین افتخاراتم اینه سر به چه چاره‌ها با برابری آموزشگاه به یه نیشان آبی راند ندادم.» «همیشه حق با نیشان آبی است.» «از تجربیات من اینکه به نیشان هیچ شهری اعتماد نکنید! مخصوصاً رنگ آبی باشه!» «دوست داشتم به نیشان آبی بگم بیابوش نیشان قرمز، اما دیدم اصالت نیشان به آبی بودنشه.»



که قدرشان را بهتر می‌دانند قرار داد؟! هنگامی که برای بچه‌های عادی پیش نمی‌آید که دوست نابینا و ناشنوا داشته باشند چگونه می‌توان انتظار داشت که ساخت فضاهای شهری به‌صورتی که نیازمندی‌های افرادی که مشکل بینایی و شنوایی دارند را هم لحاظ کرده باشد مطالعه و خواستی عمومی است که باید با شدت و حدت هر چه بیشتر به آن دامن زده شود؟ و بالاخره مادامی که در میان انواع و اقسام اردوهای مدارس جای خالی تجربه ترافیک تهران برای یک پچه ساکن اهواز و درک از نزدیک مشکل گردوغبار خوزستان و آب و برق آبادان برای فرزند پایتخت‌نشین به‌خوبی هرچه تمام‌تر احساس می‌شود چرا نباید از «درکمان نمی‌کنند» تعجب نموده و در باره آن «واقعاً چرا؟» را بر زبان آورد!

با اطمینان فراوان باید گفت که از دلایل اصلی چنین امری نحوه آموزش و پرورش ماست، زیرا معلم‌ها و آموزگاران هنوز هم بچه‌هایی که سرشان توی لاک خودشان است و به دیگر هم‌شاگردی‌ها و محنت‌هایشان کاری ندارند بیشتر می‌پسندند. وقتی در مدارس ما هیچ معلولی سر کلاس بچه‌های عادی نمی‌نشیند، نابغه‌ها مدارس جدا و استثنایی‌ها مدارس ویژه دارند، مایه‌دارها در کلاس‌های از ما بهتران و کم‌مایه‌ها زیر ستون‌های کم‌مایه‌ای که هر آن امکان آوار شدن دارند درس می‌خوانند، چگونه می‌توان از همان کودکی به بچه‌ها فهماند که همه مثل هم نیستند و روی این اصل برای اینکه همه تا آنجا که ممکن است مثل هم زندگی کنند باید از برخی امکانات در دسترس صرف‌نظر کرده و آنها را در اختیار کسانی

باشند و نزد خود درباره «میزان وقتی که هر تهرانی در روز بابت ماندن در پشت راهنندان هدر می‌دهد» فکری کرده باشند. جدا از این موضوع بعید است این نکته که تهرانی‌ها بیش از شهروندان هر شهر دیگر طلاق می‌دهند و طلاق می‌گیرند مایه نگرانی مردم نقاط مختلف کشور را فراهم آورده باشد (الا مسئولان دولتمردانی که مایل‌اند پیش از هر چیز برای «به تهران مهاجرت نکنید» خود دلیل منطقی و عقلایی جفت و جور کنند).

این روزها هم که داستان مالباختگان کاسپین نقل محافل و مجالس و رسانه‌های دنیاری و شنیداری و خوانندگی شده و مردم برای اطلاع از اینکه آخر داستان به کجا انجامید سر و دست می‌شکنند معترضان و بیان‌کنندگان «این چه وضعی است؟»

می‌کنند. به عبارت دیگر علی‌رغم هشدار وزارت نیرو مبنی بر گرمای بی‌سابقه هوا و درخواست آن نیز هوا در برخی مناطق کشور بدجوری پس است، لطفاً هوای همدیگر را داشته باشید» گروهی از پایتخت‌نشینان با عنوان «یعنی اگر ما آب کمتر مصرف کنیم به اهوازی‌ها آب می‌رسد» بی‌خیال صرفه‌جویی در مصرف آب شده‌اند و عداوی دیگر از آنها با بیان «بناقدر خودمان مشکل داریم که نمی‌رسیم به مشکلات دیگران فکر کنیم» همان عبارت معروف «مشکل خودشان است» را به‌گونه‌ای مودبانه و به‌صورتی که به کسی برنخورد گوشزد کرده‌اند. قطعاً نمی‌توان خیلی هم به تهران‌نشینان ابراد گرفت، زیرا بعید است اهالی اهواز دست‌کم در برهه‌هایی از زندگی نگران ترافیک تهران شده

چرا یکدیگر را درک نمی‌کنیم؟! محمد ماکویی

اهوازی‌ها از گرما کباب شده‌اند. آب و برق در بسیاری مناطق خوزستان قطع شده و اینها تنها بخشی از مسائل و مشکلاتی است که افراد داغ‌دیده و گرم‌زده با آنها سر و کار دارند. برخاستنی باید پذیرفت که زندگی در شهرهای مختلف استانی که بالاترین درجه حرارت ثبت شده دنیا را در اختیار گرفته است چندان هم که به نظر می‌رسد آسان نیست. با این حال تهرانی‌ها به‌خوبی و سبک و سیاق سابق زندگی کرده و به اندازه قبل از آب و برق استفاده

